

گفت‌وگو با زنان مسلمان بوسنیایی



بعد از دو سال، برای اولین بار، در مراسم سالگرد امام‌خسینی (ره) امریه کردم برای آشنایی بیشتر خوانندگان با وضعیت زنان بوسنی، ونداء گفت‌وگویی با دو تن از زنان مسلمان بوسنیایی، که برای شرکت در مراسم هفتمین سالگرد امام‌خسینی (ره) به تهران آمده بودند انجام داده است که می‌خوانید.

□ لطفاً خودتان را معرفی کنید.

- من «مینا سالکیچ» از شهر سارایوو هستم.

□ شغل شما چیست؟

- من اقتصاددان هستم.

□ شما خودتان را معرفی کنید.

- من «ملیحا حییلویچ» دندانپزشک هستم و در سارایوو زندگی می‌کنم. رییس جمعیت زنان «سمنیه» هستم. در طول جنگ، در بیمارستان‌های جنگی در جبهه خدمت می‌کردم و وظیفه دندانپزشکی و دستبازی گروه پزشکی را داشتم.

... ظاهرآ، جنگ بوسنی به پایان رسیده و آتش بی اعلام شده است. به‌منظر، هجوم برای نسل‌کشی مسلمانان بوسنی در قلب اروپای متدین متوقف شده است؛ ولی هنوز، رحم تجاوز سبانه صرب‌ها، بر بیکر شهرها و روستاهای بوسنی به‌چشم می‌خورد. هنوز جای پوئین‌های خشن صرب‌ها، بر روی صورت مردان مسلمان بوسنی، به‌خوبی دیده می‌شود. هنوز، آن زنان و دختران مسلمان بوسنی، از بی‌شرمی‌های وحشیانه صرب‌های جنایتکار می‌گردد. هنوز، کودکان بوسنی، از به یاد آوردن خاطره گشته‌شدن پدرها و مادرهایشان، همبازی‌هایشان، و از بین‌رفتن اسباب‌بازی‌ها و زمین‌های بازی‌شان وحشت دارند و هنوز، «خاکستر سبز» تن سوخته بوسنی، رنگ خاکستری دارد. در جریان جنگ نواربر چندساله بوسنی، زنان مسلمان این کشور، بیشترین رنج و مرارت را با تحمل شدند؛ چه آن‌ها که مورد تجاوز سربازان جنایتکار صرب قرار گرفتند و چه آن‌ها که، دوشادوش مردان در جبهه‌های نبرد، چنان فولاد آبدیده، سخت و سنگ شدند و حتی گریه کردن را، به فراموشی سپردند. مانند ملیحا حییلویچ، دندان‌پزشک اهل سارایوو، که می‌گوید:

من خیلی دوست دارم بیشتر در مورد اسلام بدانم. وقتی دختر کوچکی بودم آشنایی با اسلام را با خواندن کتاب شروع کردم. من در مورد امام خمینی (ره) کتاب‌هایی خواندم. در بوسنی جهاد بود و من خیلی خوشحال هستم که در این جهاد شرکت داشتم؛ در جبهه‌های جنگ و در بیمارستان‌هایی که در کوهستان‌ها بودند. و خدا را شکر می‌گویم که زنده مانده‌ایم.

□ انقلاب اسلامی ایران را چگونه می‌بینید؟

طبیعتاً جنگیدن برای انقلاب اسلامی برای من، به‌معنی جنگیدن برای اسلام زنده است. در ایران، همه‌جا اسلام وجود دارد. در خانه، در بیمارستان، در خیابان... اسلام، در ایران زنده است و من در ایران به‌شدت تحت تأثیر این موضوع قرار گرفته‌ام.

□ لطفاً بنویسید چه نظری با انقلاب اسلامی ایران آشنا شده‌اید؟

طبیعتاً در دبیرستان، دوستی داشتم که - در مورد امام خمینی (ره) بروشورهایی داشتند و در آن‌وقت با خواندن این مطالب متوجه انقلاب اسلامی شدم.

میته: درست مثل ایشان. ما، در یک سن و سال هستیم.

□ شما هم در دبیرستان، با انقلاب اسلامی آشنا شده‌اید؟

میته: بله. من هم از طریق بروشورهای با انقلاب آشنا شدم و کتابی در دسترس نداشتم که راجع به امام خمینی (ره) باشد.

□ و حالا چه نظری؟

میته: حالا مایل هستم با خود، کتاب‌هایی به بوسنی ببرم.

□ موفقیت خانم‌ها در بوسنی از نظر تحصیلات، موفقیت اجتماعی، سیاسی، اقتصادی به چه صورت است؟

طبیعتاً ما در کشوری هستیم که به‌نازگی از یک جنگ رهایی یافته است. در کشور ما زنان هستند که در زمینه مطالب سیاسی خیلی آگاه هستند.

□ در مورد تحصیلات چه نظری؟

طبیعتاً در کشور بوسنی، زنان بسیاری دارای تحصیلات دانشگاهی هستند.

□ می‌توانید درموردی در مورد تحصیلات زنان بنویسید؟

میته: در بوسنی، برای گذراندن تحصیلات دانشگاهی، زنان مشکل ندارند و این امر، کاملاً به خود شخص مربوط است. در حد بالایی از زنان، دارای تحصیلات دانشگاهی هستند.

□ آیا در بوسنی، مجلس وجود دارد؟

بله.

□ چند زن در مجلس بوسنی، نماینده هستند؟

طبیعتاً فقط یک زن.

□ در مورد فعالیت‌های اجتماعی چه نظری؟ آیا بیشتر زنان در خانه شغال هستند؟



درباره بوسنی

شهر سارایوو. قبل از شروع جنگ، به عنوان یک شهر دانشگاهی از اهمیت خاصی برخوردار بود. هفت ساله، تعدادی دانشجوی خارجی از کشورهای عربی و مسلمان برای تحصیل به این شهر آمده و بیشتر آنها پس از طی دوره‌های آموزشی از دانشگاه‌ها مختلف دانشگاه بزرگ سارایوو، فارغ‌التحصیل می‌شدند. دانشگاه سارایوو دارای ۲۲ دانشکده بود که در دوران قبل از جنگ بین ۱۲ هزار تا ۱۵ هزار دانشجو و ۱۰ هزار دانشکده‌ها تحصیل می‌کردند.

با شروع جنگ، بیشتر این دانشکده‌ها تعطیل شده‌اند. تعطیل شدن برخی از این دانشکده‌ها این است که در منطقه تحت اشغال صرب‌ها قرار داشت.

شهر سارایوو با داشتن مساحتی زیاد، نسبی از حضور اسلام در قلب اروپاست.

مساحت شهر سارایوو که تعداد آنها به بیش از ۷۰ مسجد می‌رسد دارای سبک معماری خاص عثمانی هستند بیشتر این مساجد کوچک بوده و در کنار خود اتاقی به‌عنوان مکتب دارند.

ملیحه ما در بوسنی، سازمان‌هایی مانند سازمان سینه و لافله داریم و این‌ها در بوسنی وجود دارند، هر شهر، از این نمونه انجمن‌ها وارد.

□ در مورد مسائل اقتصادی، چه طور؟

سینه ما از کتوری هستیم که درگیر جنگ بوده است و تازه، حدود ۶ یا ۷ ماه است که جنگ متوقف شده است و ما هنوز در آرامشی قرار نداریم که بتوانیم این مسائل را ارزیابی کنیم.

□ چند درصد از خانم‌ها در بوسنی، کارمند و چند درصد کارگر هستند؟

ملیحه: اکنون تعدادی وجود ندارد؛ چون همان‌طور که گفتیم کشور ما به‌تازگی جنگی را پشت سر گذاشته، که تمام کارخانجات و ادارات آن نابود شده است. البته تعداد کمی از آن‌ها تخریب نشده، ولی بیشتر ساختمان‌ها تخریب شده‌اند.

□ تعداد این، امکان ذکر آمار در این مورد وجود ندارد، چون تقریباً بیشتر زنان به علت تخریب ساختمان‌ها، بی‌کار شده‌اند؟

سینه بله

□ آنگیزه واده‌بازی جنگ نژادی در بوسنی را در چه می‌بینید؟

ملیحه: دشمنان ما از اسلام هراس دارند و ما را، فقط به‌خاطر این‌که مسلمان هستیم می‌کشند.

سینه من هم همین نظر را دارم. دشمنان ما در اروپا و در تمام جهان، از اسلام می‌ترسند چون اسلام در تمام جهان اعتلا خواهد یافت. ان‌شا‌الله.

ملیحه: دشمنان ما در بوسنی از اسلام می‌ترسند. آنان از زنان باحجاب می‌ترسند. آن‌ها از اذان ما در مساجد می‌ترسند. آن‌ها از مساجد پُر از جمعیت هراسانند. من در تمام طول جنگ، به‌عنوان یک پزشک باحجاب فعالیت می‌کردم. ما در مراکز عمومی، نماز جماعت داریم در حالی‌که قبلاً این‌گونه نبود.

□ دلیل سکوت مجامع بین‌المللی در برابر جنایت صرب‌ها را در چه

می‌بینید؟

سینه آن‌ها در عرض چهار سال جنگ، زنان و کودکان، مشهربان و سربازان ما را کشتند. اما این نکته قابل اهمیت نیست. آن‌ها ما را می‌کشند چون ما مسلمانیم و آن‌ها از اسلام می‌ترسند.

□ فکر می‌کنید چرا مجامع بین‌المللی در این مورد سکوت کردند؟

سینه: چون آن‌ها از این‌که اسلام در اروپا رشد کند می‌ترسند.

□ بنابراین، شما فکر می‌کنید سکوت آن‌ها هم به همان علت است

که صرب‌ها با شما دشمنی می‌کنند؟

سینه: بله، هر دو به یک علت است.

□ نحوه کمک‌رسانی ایران به بوسنی، در طول جنگ به چه صورت

بوده است؟

سینه کمک‌های ایران بسیار مفید بوده است. ما به‌وسیله کمک‌های ایران بود که زنده ماندیم.

□ منظور شما این است که حیث ملت بوسنی، کاملاً به کمک‌های

ایران مربوط است؟

سینه کاملاً، همین‌طور است.

ملیحه: کمک‌های غذایی و دیگر کمک‌های انسانی از طرف ایران، بسیار بسیار مهم بوده است ولی کمک‌های روانی و روحی ایران برای ما اهمیت بسیار بالایی داشته است.

سینه کمک‌های ایران، در حالی بود که ما به‌وسیله دشمن در محاصره بودیم. ما گرسنه بودیم بدون آب، غذا، دارو و...

سینه: جنگ، بسیار به ما کمک کرد و حالا ما می‌دانیم که چه

می‌خواهیم؟ ما جمهوری خود را می‌خواهیم، ما مذهب خود

را می‌خواهیم، ما اسلام را می‌خواهیم



تلفظ شماره دوره دوم و پنجم

□ ملت ایران، در تمام طول جنگ شما تحت‌تسلط و تحت‌تبعه در جریان جنگ شما بوده‌است. پرش دیگر این است که آنچه در مورد ایران شنیده‌بودید و آنچه این‌جا می‌بینید چه‌قدر تفاوت دارد! علی‌هذا هر دوی ما معتقدیم که آمدن ما به ایران، مانند یک خواب بسیار زیبا است. به ما گفته بودند وقتی به ایران می‌آیم مجبور خواهیم بود چادر به‌سر کنیم. ولی وقتی آمدیم آزادی در پرش را دیدیم. زنان آن‌چه می‌خواستند می‌پوشند. ایران، زیباترین کشور جهان است.

□ خیلی متشکرید از چه جنبه‌ای، ایران را زیبا می‌دانید؟ جنبه‌های عادی یا فرهنگی و...
 جنبه همه این‌ها، از حیث فرهنگی هم همین‌طور.

علی‌هذا در بوسنی هم مانند همه دنیا، نظرهای مختلفی در مورد ایران و انقلاب اسلامی وجود دارد. مثلاً در بوسنی، یک سرباز ممکن است برای جنگیدن زمانی انگیزه پیدا کند که اذان را می‌شنود و سر از دیگری، با شنیدن سرود ملی بوسنی، این انگیزه را پیدا کند و این به‌هوش و توان فکری فرد بستگی دارد.

یافتن درک از انقلاب، چیزی نیست که همه مردم بتوانند به‌دست بیاورند. بنابراین دیدگاه‌های آن‌ها در این مورد، مختلف است.

من در ایران بعد از دو سال، برای اولین بار گریه کردم. شما می‌دانید جنگی که همین تا‌زگی تمام شده است ما را مانند سنگ کرده است. من دو سال گریه نکردم چون در جبهه بودم و دست‌های از پدان بریده شده، خون‌های ریخته‌شده بسیاری را دیدم و حالا برای اولین بار بعد از دو سال، در مراسم سالگرد امام خمینی (ره) گریه کردم. من در مورد آن‌چه بر بوسنی گذشت بسیار رنج کشیدم و امیدوارم دیگر انتهای رنج‌ها و مزارت‌های بوسنی رسیده باشد.

□ اجازه بدهید دوباره این پرسش را مطرح کنم که آنچه در مورد ایران شنیده‌بودید با آنچه دیدید چه تفاوت‌هایی داشت؟

میانه من قبل از آمدن به این‌جا، بسیار در مورد ایران شنیده بودم چون دفتر کار من در ساختمان بهداشت است و هلال احمر ایران هم در همان ساختمان است و من با آن‌ها در ارتباط بودم. برای همین، تفاوت چندانی بین آنچه می‌دانستم و آنچه دیدم نبود (البته به‌طور مثبت).

شگفت‌زده شده بودم. چون ایران، از آن‌چه شنیده بودم هم بهتر است.

علی‌هذا من هم به‌طور مثبتی شگفت‌زده شدم.

□ عویلت کنونی مسلمانان، بعد از آن‌س پیش چگونه است؟
 علی‌هذا بسیار خوب، چون خیلی سخت بود که فرد بین دو مذهب زندگی کند.

سارایوو، پایتخت جمهوری بوسنی هرزگوین

جمهوری بوسنی و هرزگوین با مساحت ۵۱۱۲۹ کیلومتر مربع یکی از بیشترین جمهوری‌های فدرال یوگسلاوی سابق است. جمعیت این جمهوری، براساس آخرین آمارهای رسمی نزدیک به ۵ میلیون نفر است. نزدیک به ۱۷ درصد از جمعیت بوسنی و هرزگوین، «کروات» و حدود ۳۳ درصد صرب، نزدیک به ۲۵ درصد را مسلمانان و ۵ درصد یقه را ملیت‌های دیگر تشکیل می‌دهند.

پایتخت این کشور، سارایوو یکی از زیباترین شهرهای یوگسلاوی است که در بین مسلمانان اروپا به شهر مرکز مساجد و پایگاه اسلام در یوگسلاوی شهرت دارد.

از شهرهای دیگر آن می‌توان لژوستار، لورونسکا و بوتسکی نام برد. این جمهوری دارای ۲۲/۵ کیلومتر مرز آبی در سواحل دریای آدریاتیک است که از زیباترین سواحل یوگسلاوی و از مراکز مهم توریستی منطقه به‌شمار می‌رود.

جمهوری بوسنی هرزگوین، از لحاظ طبیعی دارای لوت‌ها و ذخیره‌های فراوان زمینی و هیدروژنی است که می‌توان به سرزمین‌های خوش آب و هوا و حاصلخیز و مستعد کشاورزی و دامپروری بوسنی و رودها و چشمه‌های معدنی و معادن فراوان و عثر سرب، مس - روی، آلومینیوم و ذغال‌سنگ اشاره کرد.

تیمی از مردم بوسنی، کشاورزان، مردم این کشور، پس از تصرف آن جمهوری در سال ۱۹۹۳ م به دست امپراتور عثمانی به اسلام روی آورد. پس از آن بوسنی در سال ۱۹۰۸ رسماً به امپراتور اتریش ملحق شد و در سال ۱۹۱۸ - بعد از جنگ جهانی اول - به یوگسلاوی ضمیمه شده و در سال ۱۹۲۹ - یعنی بعد از جنگ جهانی دوم - به صورت یک جمهوری از شش جمهوری، جمهوری فدرال یوگسلاوی درآمد.

بعد از فروپاشی کمونیسم، اکثر حکومت‌های کمونیستی اروپای شرقی از هم پاشیدند که جمهوری فدرال یوگسلاوی نیز از آن جمله بود و به دنبال آن هم پاشیده شدن یوگسلاوی، تعدادی از جمهوری‌های آن اعلام استقلال کردند. پارلمان جمهوری بوسنی و هرزگوین نیز پس از انجام همه‌پرسی و رأی مثبت مردم در اول ماه رمضان ۱۴۱۲ هـ ق (۱۹۹۲ م)، استقلال این جمهوری را از جمهوری فدرال یوگسلاوی اعلام کرد.

دقیقاً سه روز بعد از اعلام استقلال این جمهوری، یک تهاجم گسترده از سوی صرب‌های الواسطی به صربستان و...



مینا: دشمنان ما در اروپا و در تمام جهان، از اسلام می ترسند. چون اسلام در تمام جهان امتلا خواهد یافت
ان شاء الله
علیحا: کمک های غذایی و دیگر کمک های ارسالی از طرف ایران، بسیار بسیار مهم بوده است ولی کمک های روانی و روحی ایران، برای ما اهمیت بسیار بالایی داشته است

□ منقول شما این است که قبل از جنگ، موفقیت مسلمان مهم بوده است. ولی حالا بعد از جنگ مسلمان نبی فهد که کی هستند؟
 علیحا: بله.
 مینا: مسلمانان، در پوسنی خود را یافته اند. البته این حالت، قبل از جنگ هم بوده است ولی در آن زمان، نظام سوسیالیستی بود ولی حالا، حرف اول را مسلمانان می زنند.
 □ آیا فکر می کنید جنگ پوسنی، مسلمانان را واداشت تا قدرت خود را بهتر بشناسند؟
 مینا: بله، البته.

□ در این مورد، فکر می کنید این جنگ، چه قدر اهمیت داشته و مسلمانان را متحد و قدرتمند کرده است؟
 مینا: جنگ، بسیار به ما کمک کرد و حالا ما می دانیم که پنه می شوایم؛ ما جمهوری خود را می شوایم، ما سذهب خود را می شوایم، ما اسلام را می شوایم.
 □ آیا اکنون خانیه ها در امنیت کامل به سر می برند؟
 مینا: بله، البته.

□ آیا پهنی برای خانیه های ایرانی دارید؟
 علیحا: من پیامی برای تمام زنان مسلمان جهان دارم که از قرآن بروی کنند.

□ آیا برای خانیه های ایرانی، پیام خاصی شوکارید؟
 علیحا: زنان ایرانی، با حجاب بسیار زیبا هستند. اگر زنان تفاوت پوشش زیادی داشته باشند خلعت های مانند حسادت و بی وجود می آید، ولی حجاب مانع از بروز این مسايل می شود.
 پیام من این است که زن در وهله اول مادر خانواده است و در مرحله دوم یک روشنفکر. جامعه سالم باید خانواده سالم داشته باشد. زن نباید در خانه بماند، نباید قرآن بخواند، تحصیلات نداشته باشد و به رشد و ترتیب فرزندان بپردازد. زن از نظر جسمی، از مرد ضعیفتر است و این هدیه الهی است و مایه زیبایی و جذابیت است.

۱- پیام شما برای زن ایرانی چیست؟

مینا: پیام من این است که شما باید همان جوری بمانید که هستید. متوجه هستید؟ در راه اسلام و با حجاب و در مسیر امام خمینی ...

□ اگر نظر خاصی در مورد ایران دارید، بفرمایید؟
 مینا: ایران در مقایسه با تمام کشورهای اروپایی، از نظر معنوی زیباترین کشوری است که در تمام محرم دیدم.
 اگر راه شما راه امام باشد خیلی مثبت است و اگر در مورد راه حل های دیگر زندگی بپرسید راه شما در مقایسه با تمام راه های دیگر، در بالاترین حد ارزشی قرار دارد.

تجاوز سازمان یافته به زنان مسلمان در بوسنی - هرزگوین

تجاوز دسته جمعی به زنان مسلمان توسط صرب‌ها در طول مدت تجاوز آنها به بوسنی و هرزگوین، نشانگر یک جنایت منحصر به فرد در تاریخ بشریت می‌باشد. براساس اطلاعات و شهادت‌های واسطه و گزارش‌های متعدد کارشناسان بررسی کننده جنایات صرب‌ها در زمینه تجاوز به زنان مسلمان در بوسنی و هرزگوین، موارد زیر به چشم می‌خورد:

۱) تجاوزهای دسته جمعی به زنان و دختران مسلمان، به عنوان بخشی از برنامه‌های سیاسی صرب‌ها در جهت نابودی بوسنی و هرزگوین و پاکسازی قومی و بیرون راندن مردم مسلمان از وطن اصلی خودشان بوده است که در نهایت، تلاش برای ایجاد سرزمین‌های پاکسازی شده قومی و العاق آن به سرستان بزرگ است.

۲) تجاوز دسته جمعی به زنان مسلمان بوسنی و هرزگوین، ناشی از اعمال لغام گسیخته ارتش تجاوزگر است؛ بلکه طرحی از پیش برنامهریزی شده و با هدفی معین بوده، که از لحاظ سیاسی توسط بنگرگاه هدایت شده است.

۳) تجاوزها، همه جانبه و در سطح وسیع انجام گرفته و شهادت‌های بسیاری موجود است که چگونگی صرب‌ها، تمام زنان دهکده‌های متعددی را مورد تجاوز قرار دادند.

۴) تجاوز به زنان مسلمان، در هر گروه سنی و اجتماعی انجام شده است. محصلین، کارگران، پزشکان، معلمان، هنر و شگفتگان و مدرستین مورد تجاوز واقع شده‌اند.

با تجاوز دسته جمعی به مسلمانان در بوسنی و هرزگوین، اهداف سیاسی زیر به وقوع پیوسته است:
الف) از هم پاشیدن اساس خانواده مسلمانان که ارتش زیادی نژاد آنان دارد.

ب) به محاطره و تلاشیدن میزان تولد نوزادان، زیرا مسلمانان در یوگسلاوی سابق، از لحاظ ساختار سنی، جوانترین بخش محسوب می‌شوند.

ج) اخلاقیات و شرف مسلمانان را در حساس‌ترین نقطه خنده‌ها سازند.

د) تاوان ساختن زنان مسلمان در امر تولیدمثل، به صورت اختلال جسمانی و روحی.

ه) از بین بردن ریشه‌های تصور دایمی هویتی اقوام مختلف در بوسنی، با برانگیختن احساس نفرت، ترس و خشونت نسبت به یکدیگر.

تمام این اهداف در جهت شکست مردم مسلمان و لاجرم پاشیدن سرزمین مادریشان، بوسنی و هرزگوین است.

تا زمانی که بیان خانواده و میوان موالید به خطر نیفتد از لحاظ نظامی، سیاسی اقتصادی و دیپلماتیک نمی‌توان آنان را به زانو درآورد.

۸) زنان مسلمان که توسط صرب‌ها مورد تجاوز واقع شدند، شکنجه شدند، تحقیر و توهین شدند، در مصاحبه‌های مبتدی با رسانه‌های گروهی، به تشویح وقایع می‌پرداختند؛ ولی غریبه ناشی از این تجاوزها، به اندازه‌ای شدید بود که هر بار جزئیات آن را مطرح می‌کردند از لحاظ روانی، به آن دوران جهنمی باز می‌گشتند.



سیاست جمهوری کرواسی در قبال بوسنی و هرزگوین

سیاست جمهوری کرواسی در قبال بوسنی و هرزگوین، باید از دیدگاه واقعی مسؤولان کرواسی مورد بررسی قرار گیرد. سیاستی که بر پایه مفاهیم دیدگاه سیاسی قدیمی آنه از قرن نوزدهم فراتر گرفته است از آن تاریخ، خاک بوسنی را در واقع سرزمین کرواسی به

شمار می‌رودند و در نتیجه مسلمانان بوسنیایی را بخشی از سپاه ملی کرواسی قلمداد می‌کردند، هر عملی غیرمنطبق بر چنین دیدگاهی را ناقص می‌دانستند و محسوب می‌شد که ناشی از شوابط بین المللی و روابط غالب بوده است. برای رسیدن به این مقصود،

نیاز به شایسته‌سازی مسلمانان و هویت‌های آنان در مورد داشتن کشوری مستقل، تنها مانع موجود می‌باشد اولین گام در جهت تحقق بخشیدن به طرح الحاق خاک بوسنی به کرواسی، به وسیله راندن مسلمانان از موطنشان و دست‌یابی به توافق با صرب‌ها بر سر تقسیم

خاک بوسنی بوده است. بی‌گیری چنین سیاستی از سوی مقامات جمهوری کرواسی از طریق دو رویه زیر بوده است:

۱) شیوه برخورد با پناهندگان بوسنیایی در کرواسی

۲) شیوه برخورد نسبت به سیاست‌های دفاعی مسؤولان بوسنی و توضیح نظامی آن کشور.